**نام مقاله: آموزش كتابداري و علم اطلاعات در ايران: موانع و راهكارها**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 54 \_ شماره دوم، جلد 14**

**پديدآور: غلامرضا حيدري**

**چكيده**

**ارزيابي ميزان كارايي يا ناكارآمدي برنامه­هاي آموزشي نسبت به فلسفۀ آنها، نيازها، شرايط اجتماعي، مسائل اقتصادي، فناوري روز و بازار كار در تمامي حوزه‏هاي دانش، امري بديهي و جاافتاده است. بازنگري در برنامۀ آموزشي كتابداري و علم اطلاعات نيز به دليل ارتباط تنگاتنگ آن با مسائل، موضوعات و فناوري روز، اهميت بسياري دارد. بررسي نوشتارهاي حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات در ايران نشان مي­دهد تمامي صاحب‏نظران و پژوهشگران، برنامه­هاي آموزشي اين حوزه را با تحولات جاري و نيازهاي جامعه ناهماهنگ دانسته‏ و خواستار بازنگري در اين برنامه­ها شده­اند؛ به طوري كه ضرورت بازنگري در نظام آموزشي كتابداري و علم اطلاعات به صورت يك مفهوم كليشه­اي درآمده است. هدف اصلي اين پژوهش، شناسايي موانع و مشكلات آموزشي كتابداري و علم اطلاعات در ايران و ارائۀ راهكارهايي به منظور بهينه‏سازي نظام آموزشي كنوني در اين حوزه است. در اين نوشتار، ده مورد از مهم‏ترين موانع آموزشي كتابداري و علم اطلاعات و راهكارهاي غلبه بر آنها ارائه و تحليل شده است. مقالۀ حاضر، بخشي از يك برنامۀ پژوهشي وسيع و مقدمه‏اي براي حركت در مسير تدوين چارچوبي براي آموزش كتابداري و علم اطلاعات در ايران به شمار مي‏آيد. با بررسي و تحليل موانع و ارائۀ راهكارهاي غلبه بر آنها، ديدگاه كلي و جديدي شكل مي‏گيرد كه ما را به سوي يك نگرش جديد و نظام‏مند نسبت به آموزش در اين حوزه، هدايت مي‏كند.**

**كليدواژه­ها: آموزش، كتابداري و علم اطلاعات، برنامه‏ريزي آموزشي، موانع، راهكارها، ايران.**

**مقدمه، بيان مسئله و ضرورت پژوهش**

توسعۀ پايدار در هر كشوري مستلزم وجود زيرساختها و ابزارهايي مانند بودجه، امكانات سخت افزاري و نرم افزاري و ديگر شرايط توسعه است. در اين بين، مهم‏ترين ركن توسعۀ پايدار، توسعۀ انساني و به طور خاص، از نوع علمي و آموزشي آن است؛ به طوري كه جايگاه نيروي انساني دانا، توانمند و متخصص در راهبري و مديريت ديگر مؤلفه­هاي فرايند رشد و توسعۀ جوامع انساني و يا هدفهاي سازماني، با ديگر عناصر اين فرايند قابل مقايسه نيست.

«آدام اسميت»، پدر علم اقتصاد، آموزش را نوعي سرمايه­گذاري مي­دانست كه باعث افزايش درآمد و توليد قدرت مي­شود (اخوي راد، 1385). امروزه يكي از مهم­ترين انواع سرمايه­گذاري­ بلند مدت در كشورهاي مختلف، سرمايه­گذاري آموزشي در دانشگاه­ها و مراكز آموزش عالي است؛ به طوري كه سرمايه‏‏گذاري براي تربيت نيروي انساني متخصص و مورد نياز در بخشهاي مختلف فرهنگي، اقتصادي، اجتماعي، صنعتي و ... جزء سرمايه­گذاريهاي ضروري در تمام كشورهاي دنيا به شمار مي‏آيد (حري، 1385، ص 207).

در دنياي كنوني، دانشگاه­ها متوليان اصلي برنامه­هاي آموزشي براي تربيت نيروي انساني در رشته‏‏‏هاي علمي و تخصصي هستند؛ اما مسئله اين جاست كه معمولاً آهنگ تغيير و رشد نوآوريهاي عرصۀ شغلي، از آهنگ دگرگوني در برنامه­هاي آموزشي سريع­تر است و آموزشهاي دريافتي اغلب به خلأهايي دچار مي­شوند (حري، 1385). از اين رو، پيگيري مداوم فرايند برنامه­ريزي براي بازنگري و روزآمدسازي برنامه­هاي آموزشي، به منظور تكميل رسالت اصلي دانشگاه­ها، ضروري به نظر مي­رسد. گفتني است، هماهنگي با بازار كار و نيازهاي زماني و مقطعي، تنها دلايل لزوم بازنگري در برنامه­هاي آموزشي و علمي نيست، بلكه تحولات فضايي، محيطي، و همه جانبه در طول زمان، ضرورت هماهنگي با تحولات و پارادايمهاي علمي و ضرورت يكپارچه­سازي و پيوستگي ابعاد و مقوله­هاي حوزه‌هاي علمي، گسترش و تعميق فرهنگ پژوهش، ايجاد روحيۀ خلاق و تفكر انتقادي، ابعاد ديگري از ضرورتهاي بازنگري و بازانديشي در نظامها و ساختارهاي علمي و بويژه آموزشي است.

كتابداري و علم اطلاعات،يكي از حوزه­هاي آموزشي دانشگاهي است كه آموزش رسمي آن در نيمۀ دوم قرن نوزدهم (1887م.) در آمريكاي شمالي آغاز شد و انديشه‌ها و روشهاي آن بتدريج به ساير نقاط جهان انتقال و گسترش يافت. در ايران هم اين رشتۀ دانشگاهي از آغاز شكل­گيري آموزش رسمي در دهۀ پنجاه (1345هـ .ش.) تاكنون با نوسانها و فراز و نشيبهاي فراواني روبرو بوده است؛ به گونه‌اي كه برنامه‏هاي آموزشي آن به تناسب ضرورتها و گاهي بر اساس سليقه‌هاي فردي دگرگون شده و به دليل اين تفاوت در مباني برنامه­ريزي- يعني ضرورت يا سليقۀ فردي‌ ـ برنامه­هاي آموزشي اين حوزه نيز داراي نقاط قوّت و ضعف زيادي است (حري، 1385، ص 207).

در دنياي به سرعت در حال تغيير كنوني كه شيوه­ها و سنتهاي گذشته با سرعت فزاينده­اي كهنه و منسوخ مي­شوند، لزوم هماهنگي و روزآمدسازي مداوم فعاليتها و مهارتها، به دليل و برهان نياز ندارد. ميزان كارايي يا ناكارآمدي آموزشها و برنامه­هاي آموزشي نسبت به شرايط روز و بازار كار، بايد پيوسته در تمامي حوزه‏هاي دانش بررسي و ارزيابي گردد، تا روشن شود چه مشكلاتي وجود دارد و چه راهكارهايي براي آن قابل تصور است. اين نكته در مورد كتابداري و علم اطلاعات نيز به دليل ارتباط تنگاتنگ آن با مسائل، موضوعات و فناوري روز، اگر از تعدادي از ديگر حوزه‏ها بيشتر نباشد، كمتر هم نيست؛ به طوري كه حتي ضرورت بازنگري در نظام آموزشي كتابداري و علم اطلاعات به صورت يك مفهوم كليشه‌اي درآمده است. از جمله اين ضرورتها مي­توان به ضعف مباني فلسفي و نظري و نداشتن استحكام كافي ساختار نظري و كاربردي آن، رشد فزايندۀ اطلاعات و دانش مدوّن و مضبوط، نيازهاي اطلاعاتي در حال رشد كه روز به روز از تنوع بيشتري برخوردار مي­شوند، تعامل كتابداري و علم اطلاعات با ديگر حوزه­هاي دانش و طرح بسياري از موضوعات بين­رشته­اي، ظهور پيوسته و فزايندۀ فناوريهاي نوين اطلاعاتي و ارتباطي، نيازهاي واقعي بازار كار و ... اشاره كرد.

هر چند تلاشهايي در راستاي ارائۀ راهكارهايي براي بهينه­سازي نظام آموزشي كتابداري صورت گرفته و آخرين مورد آن طراحي سرفصل درسهاي كتابداري و علم اطلاعات توسط كميتۀ برنامه­ريزي مربوط در وزارت علوم- در سال 1388- است، اما به نظر مي­رسد تاكنون در ايران يك چارچوب نظام­مند و راهبردي در اين زمينه تدوين نشده است. چنانچه برنامه­اي ايستا به عنوان نسخه­اي براي درمان بيماريهاي آموزشي فعلي تدوين شود، پس از مدتي به سرنوشت برنامه‏هاي قبلي دچار خواهد شد. پس چاره چيست و چه بايد كرد؟

ديدگاه­هاي بنيادين مختلفي دربارۀ آموزش وجود دارد. انتقادهاي زيادي به سبكهاي آموزش كنوني صورت گرفته كه بارها در متون فلسفۀ تعليم و تربيت به آنها اشاره شده است. دربارۀ آيندۀ نظام آموزشي هم نظريه­هاي زيادي مطرح شده است. با وجود تنوع در ديدگاه­ها و دشواريهاي موجود در نظام آموزش كنوني در ايران كه اساساً مبتني بر آموزه­هاي مدرنيستي و پارادايمهاي ناقص و منسوخ گذشته شكل گرفته­ است و به بازنگري و بازانديشي اساسي نياز دارد، اين نوشته تنها بر آن است تا با تحليل وضعيت فعلي و ضرورتهاي انكارناپذير و واقعي در شرايط و فضاي كنوني جامعه، موانع را شناسايي و با هدف بهينه‏سازي نظام آموزش كنوني در كتابداري و علم اطلاعات، پيشنهادها و راهكارهايي ارائه كند.

**پيشينۀ پژوهش در جهان و ايران**

آموزش كتابداري و علم اطلاعات در جهان و ايران با رويكردهاي مختلف فردي، گروهي، سازماني، ملي و بين‏المللي، بررسي شده است. مطالعات صورت گرفته بيانگر آن است كه از ابعاد مختلف بر روي برنامۀ آموزشي مناسب و مورد نياز امروز و آيندۀ حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات تأمل و تعمق شده است. بر اين اساس، پيشينه­ها را مي­توان در مقوله‏هاي مختلف دسته‏بندي و تنظيم كرد. در ادامه، گزيده‏اي از اين پژوهشها در قالب موارد زير ارائه شده است:

ـ مطالعات فردي

ـ انجمنها و گروه‏هاي آموزشي

ـ سطوح تحصيلي

ـ رويكرد تطبيقي

ـ رويكرد تكنولوژيكي

ـ الگوهاي خاص

ـ مصاحبه‏ها.

**مطالعات فردي:** در خارج از كشور گزارش «ويليامسن»[[1]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftn1" \o ") در سال 1923، مهم‏ترين سندي است كه در تاريخ آموزش كتابداري تدوين شده است. وي از نظام آموزش كتابداري انتقاد ­كرد. ويليامسن معتقد بود مدارس كتابداري بايد امور اداري و تخصصي را از يكديگر جدا كنند، فقط به آموزش فني و تخصصي بپردازند و در دانشگاه­ها مستقر شوند (هوركس[[2]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftn2" \o ")، 1381، ص 56). «لنكستر»[[3]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftn3" \o ") توجه به چرخۀ اطلاعات از توليد تا استفاده و مباحث مديريتي را در برنامه­هاي آموزش كتابداري و علم اطلاعات ضروري دانسته و «دَنيل»[[4]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftn4" \o ") مباحث ميان رشته‏اي و زمينه­هاي مديريتي را با اهميت تلقي نموده است (مختاري، 1384، ص 30). مسائل و مشكلات آموزش كتابداري و علم اطلاعات از همان ابتداي تأسيس رسمي اين رشته در دانشگاه‏هاي ايران هم مورد توجه پژوهشگران اين حوزه قرار گرفت. اكثر كساني كه آموزش در حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات را مورد بررسي و پژوهش قرار داده­اند، پيوسته لزوم تغيير و اصلاح در ساختار و برنامه­هاي آموزشي را يادآوري كرده­اند. يكي از اولين پژوهشها در اين زمينه، مقالۀ «گنجيان» (گنجيان، 1353) است. پس از وي، بيشتر پژوهشگران ( از جمله: ابرامي، 1354؛ كوكبي، 1376؛ حياتي، 1378، 1383؛ دياني، 1379؛ فتاحي، 1379؛ ذاكري، 1381؛ مختاري، 1384؛ تهوري، 1385؛ و زينلي كرماني و آيت­اللهي؛ 1387) ضرورتهاي ايجاد تحول در نظام آموزشي كتابداري و علم اطلاعات را يادآور شده‏اند.

«كوكبي» از عدم تغيير در درسهاي سازماندهي اطلاعات و بي­توجهي به سازماندهي اطلاعات الكترونيكي انتقاد كرده است (كوكبي، 1376). «حياتي» يكي از مهم‏ترين مشكلات برنامه­هاي آموزشي كتابداري را توجه بيش از حد به جنبه­هاي عملي و حرفه­اي و بي‌توجهي به اصول و مباني نظري و نداشتن رويكرد پژوهشي دانسته است (حياتي، 1387و 1383). «دياني» ضرورت تحول در درسها و هماهنگي آنها با فناوريهاي نوين اطلاعاتي را يادآور شده است (دياني، 1379). «فتاحي» توجه نكردن به مباني نظري، تفكر خلاق و انتقادي و پژوهش را سه مشكل عمدۀ آموزش در كتابداري و علم اطلاعات مي­داند (فتاحي، 1379). «ذاكري» جايگاه درس زبان انگليسي در آموزش كتابداري و علم اطلاعات را بررسي و تعداد واحدهاي آن را ناكافي توصيف نموده است (ذاكري، 1381). «تهوري» بازنگري در برنامه­هاي آموزشي را با توجه به تغيير و تحولهايي كه در جامعه صورت مي­گيرد و پرورش نيروي انساني متناسب با اين تحولات را در سايۀ برنامه­هاي آموزشي متناسب با آن ضروري مي­داند و اهميت تناسب و هماهنگي برنامه­هاي آموزش كتابداري و علم اطلاعات را با دانش و مهارتهاي مورد نياز آنها در محيط جديد بر مي­شمارد (تهوري، 1385). خلاصه، تمامي مطالعاتي كه به بررسي تاريخچۀ آموزش كتابداري و علم اطلاعات پرداخته­اند، لزوم تغيير ساختار و بازنگري در نظام آموزشي كتابداري و علم اطلاعات را يادآوري كرده­اند. حتي دانشجويان اين حوزه هم از اين ضرورت غافل نيستند. براي مثال، «زينلي كرماني و آيت­اللهي» در مقاله­اي با عنوان «تاريخچۀ آموزش كتابداري و اطلاع­رساني» پس از بررسي تاريخي آموزش در اين حوزه، به لزوم تحول در آموزش اشاره كرده‌اند (زينلي كرماني و آيت­اللهي، 1387).

**گروه‏هاي آموزشي و انجمنها:** در سطح گروه‏هاي آموزشي مي‏توان به مطالعاتي اشاره كرد كه طي سالهاي اخير و با مجوز وزارت علوم، تحقيقات و فناوري در سال 1379 و با واگذاري اختيارات برنامه‏ريزي درسي به دانشگاه‏ها، انجام پذيرفت. پيرو اين مطالعات، گروه­هاي آموزشي كتابداري و علم اطلاعات در دانشگاه فردوسي مشهد، دانشگاه شهيد چمران، تهران و دانشگاه الزهرا تغييراتي را در سرفصلهاي درسها و برنامه­هاي آموزشي خود اعمال كردند. از طرفي، انجمن كتابداري و اطلاع­رساني ايران هم در نشستهايي با گروه­هاي آموزشي و ايجاد كميتۀ تخصصي بازنگري در برنامه­هاي آموزشي، پيشنهادهايي را به وزارت علوم، تحقيقات و فناري ارائه كرده است.

**سطوح تحصيلي:** تعدادي ديگر از پژوهشها با رويكردي متمايز، سطوح و مقاطع مختلف آموزش را بررسي كرده‌اند؛ به اين معنا كه مطالعات بر روي دوره­هاي كارشناسي، كارشناسي ارشد و البته در مورد مقطع دكتري كمتر مطالعه­اي صورت گرفته است و بيشتر مطالعات به برنامه­هاي آموزشي در سطح كارشناسي نظر داشته‌اند. «مختاري» برنامۀ درسي رشتۀ كتابداري و اطلاع‏رساني پزشكي را در مقطع كارشناسي ارشد بررسي و ارزشيابي كرده است. در اين پژوهش، توجه به نياز جامعه، تحولات فناوري و تغيير در شرايط، از دلايل نياز به بازنگري در برنامه­هاي آموزش ذكر شده است (مختاري، 1384).

«ديّاني» در نوشتاري دربارة «آيندۀ آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني در سطح دكتري» اين سؤالها را مطرح مي­كند كه آيا كتابداران ايران، در آينده‏اي نزديك شاهد بحران در آموزش و در حرفۀ كتابداري و علم اطلاعات خواهند بود؟ يا دانش‌آموختگان دوره‏هاي دكتراي داخلي (دانشگاه­هاي دولتي و دانشگاه آزاد) و نيز دانش‌آموختگان دوره­هاي خارج از ايران (هند و ديگر كشورها) كه هنوز يا در ابتداي راه هستند و يا در نيمه راه شغلي خود قرار دارند، كيفيت آموزش، پژوهش و فعاليتهاي حرفه‏اي كتابداري و علم اطلاعات را به سطح مطلوب زمان خود مي‏رسانند؟ وي در نهايت ابراز مي‏دارد، براي پاسخ‏دهي به اين پرسشها به كمترين اطلاعي كه نياز داريم، اطلاعات كمّي و كيفي دربارۀ تمامي كتابداران با درجۀ دكتري كتابداري و علم اطلاعات ايران است كه در مؤسسه‌هاي آموزشي، پژوهشي و كتابخانه‌ها يا مراكز اطلاع‏رساني ايران، مشغول به كار هستند (دياني، 1386).

**رويكرد فناوري:** يكي از برجسته‏ترين تحولات در دهه‏هاي اخير، دگرگوني در فناوري اطلاعات بوده كه بسياري از مفاهيم را از بنياد دگرگون ساخته است. پيرو اين تحولات فزاينده، پژوهشگران تمامي حوزه‏هاي علمي، از جمله كتابداري و علم اطلاعات، خواستار تحول در ابعاد حوزه و از جمله در نظام آموزشي آن براي همسويي و هماهنگي هر چه بيشتر با اين تحولات شده‏اند. تمامي پژوهشگران بر اين بُعد از بازنگري در برنامۀ آموزشي تأكيد داشته‏اند. براي مثال، «تهوري» علاوه بر مرور تعدادي از مطالعات صورت گرفته در اين باره، اشاره مي‏كند كه متخصصان كتابداري و علم اطلاعات براي ادامۀ حيات در محيط نوين اطلاعاتي و ارائۀ خدمات جديد، ناگزير بايد به دانش و مهارتهاي نوين فناورانه، مجهز شوند (تهوري، 1385).

**رويكرد تطبيقي:** مقايسۀ برنامه‏هاي آموزشي در كشورهاي مختلف جهان، يكي ديگر از رويكردهاي پژوهشي به آموزش در حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات بوده است. در اين مطالعات، برنامه­هاي دانشگاه­هاي كشورهاي توسعه يافته مانند آمريكا و اروپا، يا كشورهايي مانند چين، ژاپن و حتي استفاده از تجربۀ دانشگاه­هاي كشورهاي در حال توسعه، مورد توجه قرار گرفته است. «مرتضايي» (1380)، «آشور و چودري» (1383) و «فتاحي و ديگران» (1384) چنين رويكردي را مبناي كار خود قرار داده­اند. «آشور و چودري» در تك نگاشتي، وضعيت آموزش حرفه­اي در كتابداري و علم اطلاعات در كشورهاي عربي حوزۀ خليج فارس را با رويكردي توصيفي بررسي كرده­اند. اكثر كشورها برنامه­هاي آموزش كتابداري دارند. اكثر مسائل كتابداري در اين كشورها مشترك است. در كويت، آموزش كتابداري در دانشكده هنر انجام مي­گيرد. در اين كشورها هيچ­گونه برنامه‌ريزي اوليه يا ارزيابي نهايي براي آموزش وجود ندارد. ارتباط و پيوند ميان ديدگاه­هاي نظري و عملي و حوزۀ كاري در اين آموزشها ديده نشده است. آنها تنها اميدوارند گرايشهاي اخير به فناوري اطلاعات، تحولاتي در برنامه­ها و وضعيت آموزش ايجاد كند. وضعيت پژوهش هم در اين حوزه ضعيف است. به طور كلي، كمّيت و كيفيت انتشارات و پژوهش در زمينۀ آموزش كتابداري در بين كشورهاي عربي منطقۀ خليج فارس نامناسب است (آشور و چودري، 1383).

**الگوهاي خاص:** به نظر مي‏رسد يكي از بهترين پژوهشهاي صورت گرفته در زمينۀ آموزش كتابداري و علم اطلاعات، از آن ويلسون[[5]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftn5" \o ") است (ويلسون، 2001) زيرا نگارنده از ابتدا در پي آن بود تا بر اساس يك سري اصول در نظريۀ فراكتال[[6]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftn6" \o ") به تدوين چارچوبي براي آموزش كتابداري و علم اطلاعات در ايران بپردازد و راهكار ويلسون را از اين منظر بسيار خلاقانه ديد. ويلسون براساس چهار حوزۀ اصلي كتابداري و علم اطلاعات (به زعم ويلسون) شامل محتواي اطلاعات، نظامهاي اطلاعاتي، افراد و سازمانها، الگويي را براي برنامه­هاي آموزشي براي مقاطع مختلف آموزشي، در دوره­هاي بلندمدت و كوتاه مدت، گرايشهاي تخصصي و ...، ترسيم و ارائه نموده است.

**مصاحبه‏ها:**در مورد آموزش كتابداري و علم اطلاعات در ايران، مصاحبه‏هايي هم صورت گرفته است. «مهراد» كه از سال 1386 به سمت سرپرستي «كميته برنامه‌ريزي كتابداري و اطلاع‌رساني وزارت علوم، تحقيقات و فناوري» منصوب شده، معتقد است آموزش كتابداري و علم اطلاعات در ايران در عمر 30 ساله خود در مقايسه با پيشرفتهاي جوامع توسعه‌ يافته، رشد مطلوبي نداشته و انتظار دانشجويان اين رشته را برآوردهنكرده ‌است. وي وقفه‌اي را كه براي تدوين برنامه‌هاي جديد به وجود آمده، ‌بسيارطولاني و از نظر علمي غير قابل قبول دانسته است. «مهراد» خاطر نشان نموده است كه نزديك به دو دهه هيچ تغييري در برنامه‌هاي آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني ايجاد نشده و اين امر آثار منفيزيادي بر آموزش كتابداري در دانشگاه‌ها از يك سو و كيفيت خدمت‌رساني دانش‌آموختگاندانشگاه‌ها از سوي ديگر، به وجود آورده است (مهراد، 1387).

«نوروزي» در مقايسۀ آموزش كتابداري و علم اطلاعات در ايران با كشور فرانسه، چند نكته را ـ‌ از جمله استقلال‌گروه‌هاي‌كتابداري در دانشگاه‏هاي خارجي‌ ـ مهم تلقي مي‏كند. در فرانسه، شرح درسها‌ با توجه به اعضاي هيئت علمي، نياز بازار و جامعه و بر اساس پارادايمهاي علمي روزآمد مي‌شود و در نهايت انجمنها و سازمانهاي ملي در اين حوزه اعتبار گروه‏ها را ارزيابي مي‏‌كنند. يك نوع رقابت بين گروه­هاي كتابداري در دانشگاه‏ها وجود دارد تا بتوانند بودجة بيشتري كسب و دانشجويان بيشتري جلب كنند و در نهايت اعتبار خود را بالا ببرند. در نتيجه، هر يك از گروه‏هاي آموزشي به طراحي وبگاه مي‏پردازند و تا جايي كه مي‏توانند، براي پذيرش دانشجو تبليغ مي‏كنند. شرح درسهاي گروه‏هاي آموزشي خارجي، حاكي از تخصصي بودن درسهاست. تا حد امكان سعي شده تا به آموزش استفاده از فناوريهاي نوين، رايانه، اينترنت، كتابخانه‏هاي مجازي، پايگاه‏هاي اطلاعاتي، مديريت دانش و سازماندهي اطلاعات در محيط اينترنت و وب، ابرداده و ... پرداخته شود. نوروزي معتقد است برنامۀ آموزش كتابداري ايران بايد اصلاح شود، زيرا [انعطاف‌پذير نبودن برنامۀ آموزشي و محتواي درسهاي كتابداري](http://www.ibna.ir/vdcb8gb5.rhb8wpiuur.html)، مانعي در كارآمدي آنمحسوب مي‌شود. در نظام آموزشي كشورهاي غربي، مدير گروه و استادان مي‌توانند براي حذف يا اضافه شدن يك واحد درسي، تصميم‏گيري كنند. اين امر در مقايسه با شيوۀ آموزش كتابداري ايران، يك مزيت محسوب مي‌شود. وي در نهايت آشنايي و تعامل با دانشكده‌هاي كتابداري و علم اطلاعات در كشورهاي پيشرفته را در رفع نواقص و ضعفهاي آموزش كتابداري در ايران، مؤثر مي‏داند (نوروزي، 1387).

«حري» عقيده دارد كتابداري از نظر كمّي همچون تعداد گروه‌ها و اعضاي هيئت علمي، در جهان عقب نيست. مشكل آموزش كتابداري و علم اطلاعات در كشور ما، نرسيدن به سطح آموزش تخصصي است؛ لذا براي فراهم شدن زمينۀ آموزش تخصصي، بايد آيين‏نامه و ضوابط آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني بازنگري و اصلاح شود. كثرت‌گرايي حاكم در فضاي آموزش دانشگاهي كتابداري و علم اطلاعات كشور ما، نقض آموزشتخصصي اين رشته است. تعداد گروه‌هاي كتابداري كشور از اندازه معمول بيشتر است، درحالي‌كه بيشتر اين گروه‌ها شرايط اوليه چون نيروي انساني، امكانات و منابع پايهكارآمد را ندارند.وي جاي نظام نظارتي و ارزيابي بر فعاليت گروه‌هاي كتابداري و علم اطلاعات را در كشورخالي دانسته و معتقد است در صورتي كه شرايط فعلي بر فضاي آموزش كتابداري ما حاكمباشد، نمي‌توانيم به سمت تخصصي شدن گام برداريم.بايد ضوابط آيين‏نامه‌اي به شيوه‌اي اصلاح شود كه هر گروه براي آموزش درسهاي مختلف، از نيروي متخصص همان حوزه حتي از دانشگاه‌هاي ساير شهرها استفاده كند. «حري» معتقد است نبايدبه هر دانشگاه اجازه دهيم با تعدادي محدود دانش‌آموخته به عنوانعضو هيئت علمي، يك گروه تأسيس كند.به علاوه، مشكل اساسي برنامه‏هاي آموزشي، توجه بيش از حد به جنبه‏هاي عملي است. كمبود مدرسان واجد شرايط براي تدريس برنامه‏هاي جديد و تربيت دانشجويان كارآمد و جذب دانشجويان فاقد انگيزه توسط گروه‏هاي كتابداري، مشكل ديگري است كه خود موجب كمبود استادان زبده در آينده خواهد شد. حري در آخر يادآوري مي‏كند با وجود اينكه مشكلاتمذكور بزرگ هستند، حل نشدني نيستند (حري، 1387).

**جمع‏بندي پيشينه­ها**

بررسي نوشتارهاي حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات در ايران بيانگر آن است كه تمامي صاحب‏نظران و پژوهشگران، برنامه­هاي آموزشي اين حوزه را ناكارآمد، و اين برنامه­ها را با تحولات جاري و نيازهاي جامعه، ناهماهنگ دانسته و همگي خواستار بازنگري در اين برنامه­ها شده­اند. به عبارتي، نقطۀ اشتراك و اتفاق تمامي اين مطالعات، يادآوري لزوم تغيير در نظام و برنامۀ آموزشي كتابداري و علم اطلاعات است.

هر چند لزوم بازنگري و تحول در برنامه‏هاي آموزشي تنها محدود به فناوري نيست، بر هماهنگي با پيشرفتها و تحولات فناورانه تأكيد بيشتري شده است. در اين راستا، تاكنون پيشنهادهاي متعددي به منظور هماهنگي آموزشي كتابداري و علم اطلاعات با تحولات فناوريهاي نوين اطلاعات و ارتباطات، ارائه شده است.

هر يك از مطالعات با رويكرد خاص خود به بخشهايي از نواقص موجود در برنامۀ آموزشي تأكيد بيشتري كرده‏اند. سرجمع اين رويكردها، بيانگر تأكيد بر توجه به ابعاد علمي، فلسفي و نظري؛ مديريتي و عملي، فناورانه، ميان‏رشته‏اي، و توجه به رويكرد پژوهش‏مدار در آموزش كتابداري و علم اطلاعات است. نكتۀ اساسي كه در اين بين مورد بي‏مهري قرار گرفته، توجه نكردن به طراحي و تدوين چارچوبي براي آموزش كتابداري و علم اطلاعات در ايران است. همچنين، در اين مطالعات توجه به ابعاد اقتصادي در آموزشها ناديده گرفته شده است.به هرحال، آموزش كتابداري و علم اطلاعات بايد بر فرايند اطلاعات و مطالعه و مديريت اين فرايند، مباني و اصول بنيادين، هماهنگ با فناوري و فعاليت­هاي اقتصادي ـ اجتماعي روز و به طور كلي مقتضيّات زمان مبتني باشد. چنانچه آرمان‏گرايانه به اين موضوع توجه شود، جاي يك نظريه يا برنامۀ جامع، هدفمند و پويا در آموزش كتابداري و علم اطلاعات خالي است، اما اين آرمان يك دفعه محقق نمي‏شود. از اين رو، در نوشتار حاضر زمينه‏هاي دستيابي به اين آرمان در قالب توجه به موانع و راهكارها، مورد توجه قرار گرفته است.

**هدف پژوهش**

هدف اصلي اين پژوهش، شناسايي موانع و مشكلات آموزشي كتابداري و علم اطلاعات در ايران و ارائۀ راهكارهايي به منظور پيشبرد موفق برنامه­هاي درسي و آموزشي اين حوزه است. اين پژوهش بخشي از يك برنامۀ پژوهشي وسيع و در جريان است كه توسط پژوهشگر در دست بررسي و اجراست و هدف نهايي آن تلاش براي تدوين يك سلسله معيارها، اصول و به طور كلي طراحي يك چارچوب جامع و پويا براي آموزش كتابداري و علم اطلاعات در ايران است.

**سؤالهاي پژوهش**

1. مهم­ترين موانع و مشكلات آموزشي كتابداري و علم اطلاعات در ايران كدامند؟

2. راهكارهاي غلبه بر مشكلات آموزشي و همگام نمودن آموزش كتابداري و علم اطلاعات با نيازهاي فعلي و آيندۀ نزديك جامعه كدامند؟

**مسائل و مشكلات آموزشي در كتابداري و علم اطلاعات**

دسته‏بندي مهم‏ترين مسائل و مشكلات آموزشي در كتابداري و علم اطلاعات و راهكارهاي پيشنهادي يا تغييرات عمده­اي كه بايد صورت بگيرد، زمينه‏هاي ايجاد برنامه‏ريزي براي آموزش مناسب و كارآمد در اين حوزه را فراهم مي‏كند. تحليل مطالعات صورت گرفته و تفكر و تأمل دربارۀ آموزش در حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات، بيانگر آن است كه ده مورد از مهم‏ترين مشكلات عمده‏اي كه در نظام آموزشي اين حوزه وجود دارد، عبارتند از:

ـ مسائل كلي در نظام آموزشي ايران

ـ توجه نكردن به بازار كار

ـ ناهماهنگي با تغيير در پارادايمهاي علمي و پيروي درسهاي فعلي از پارادايم سنتي و نسبتاً منسوخ كتابخانه

ـ كم‌توجهي به آموزش مهارتهاي پايه و مورد نياز در جامعۀ اطلاعاتي و معرفتي

ـ درسهاي كم ارتباط يا بي‌ارتباط زياد و عام و غيرتخصصي بودن درسهاي كتابداري و علم اطلاعات

ـ استفاده نكردن از واژگان مناسب در عنوان درسها و به طور كلي نام رشته

ـ ارتباط نداشتن ارگانيك سطوح مختلف تحصيلي از كارداني تا دكتري

ـ‌ ضعف در محتواي درسها و اطلاعاتي كه سركلاسها ارائه مي‏شود

ـ مسائل مربوط به استادان و دانشجويان

ـ نبود يك برنامۀ منسجم و يك نظريۀ پويا و كارآمد.

**مسائل كلي در نظام آموزشي ايران**

بديهي است، ساختار كلي آموزش در ايران ميدان عمل كتابداري و علم اطلاعات را نيز تعيين مي‏كند. علم اطلاعات به عنوان يك زيرنظام، تابع يك نظام كلي‏تر يعني نظام آموزشي كشور است. از اين رو، مسائل مديريتي، اقتصادي، فرهنگي، اجتماعي و سياسي در سطح كلان نظام آموزشي ايران، تعيين‌كنندۀ شرايط نظامهاي خرد آموزشي مانند علم اطلاعات است. نظام آموزشي ايران حتي در بالاترين سطوح تحصيلات تكميلي، هنوز هم مبتني بر الگوها و پارادايمهاي سنتي و قديمي آموزش است. تأكيد بيش از حد بر انتقال و كسب دانش و انباشت اطلاعات در حافظه، توجه نكردن به نقش پژوهش در آموزش و يادگيري، بي­توجهي به آگاهيهاي پايه براي زندگي در يك جامعۀ اطلاعاتي و معرفتي مثل تفكر انتقادي و به طور كلي نبود يك برنامه‏ريزي منسجم و نظام آموزشي پويا در جامعه، از جمله ويژگيهاي نظام آموزشي كنوني در ايران است. اين مشكل تا آن جا ادامه دارد كه حتي بسياري از افراد موفقي كه در جامعه مشغول به كار هستند، اغلب براساس تلاش شخصي خود و خارج از محدودۀ نظام آموزشي، به موفقيت دست يافته‏اند. اين افراد، بار نظام آموزشي را خود بر دوش كشيده‏اند. از اين رو، بازنگري و تدوين فلسفۀ آموزش در دو بُعد آموزش به طور كلي و محتواي آموزشي به طور خاص، در نظام آموزشي فعلي ضروري به نظر مي­رسد.

**بازار كار**

در تدوين يك برنامۀ آموزشي، قبل از هر چيز بايد به شناسايي محيط و بازار كار پرداخت. يكي از مهم­ترين وظايف مراكز آموزش نيروي انساني، ارائۀ آموزشهاي متناسب با نيازهاي مهارتي نيروي انساني در بازار كار است. نبايد فراموش كرد، دگرگوني برنامه­هاي آموزشي به قصد هماهنگي آنها با بازار كار، جرياني نسبتاً دشوار و كار سنگيني است، زيرا معمولاً آهنگ تغيير و رشد نوآوريهاي عرصۀ شغلي، سريع­تر از آهنگ دگرگوني در برنامه­هاي آموزشي جريان دارد. طبعاً برنامه­اي موفق­تر است كه بيشتر بتواند خود را با نيازهاي بازار كار هماهنگ كند (حري، 1385، ص 187).

ميزان موفقيت مراكز آموزشي را مي­توان با مقايسۀ ميزان ارتباط درسهاي آموزشي و محتواي آنها و مطابقت با نيازهاي واقعي در شرايط و بازار كار، ارزيابي نمود؛ بدين معنا كه ميزان ارتباط واقعي ميان دو بخش آموزشي نيروي انساني و بازار كار يعني عرصۀ به كارگيري مهارتها، ملاك اصلي ارزيابي آموزشي گروه­هاي كتابداري و علم اطلاعات به شمار مي­آيد. به نظر مي‏رسد در حال حاضر آموخته‌هاي دانش‌آموختگان اين حوزه، با بازار كار چندان هماهنگ نيست. دانشجويان اين حوزه تنها براي كار در كتابخانه- آن هم در محيط سنتي و نه تخصص در كتابخانه‏هاي ديجيتال و مجازي- آموزش مي­بينند. اين نكته با بررسي محتواي برنامه آموزشي اين حوزه روشن مي­شود، در حالي كه بازار كار اين حوزه به كتابخانه محدود نيست. مدرسان اين حوزه هم همان دانشجويان چند سال پيش هستند و از همان دشواريهاي كذايي رنج مي­برند. مگر تعداد اندكي كه با تلاش و ذوق خود اين موانع را برطرف كرده­اند.

**ضرورت هماهنگي با پارادايمهاي علمي و آموزشي جديد**

پيشرفتهاي علمي و تحول در مباني و پارادايمهاي علمي، ظهور پژوهشهاي ميان رشته­اي، فناوريهاي نوين اطلاعاتي و ديگر تغييرات فرهنگي، اجتماعي، اقتصادي و محيطي، نظام آموزش امروز را به كلي دگرگون ساخته است. از اين رو، توجه به تحول در سبكهاي آموزش و يادگيري و بهره‏گيري از استلزامهاي رويكردهاي جديد آموزشي ارائه شده توسط فلاسفۀ تعليم و تربيت، ضروري است. براي مثال، يكي از اثرات اين تحولات، تغيير در هدفها و رسالتهاي نظام آموزشي جديد است، به طوري كه اكنون نظام آموزشي بايد به جاي تمركز بر نقش سنتي خود يعني انتقال و نشر دانش از طريق آموزش، رسالت و هدف خويش را ايفاي نقش مؤثر در پژوهش علمي و توليد دانش و تربيت نيروهاي مولد و خلاق، قرار دهد. آموزش در رويكرد سنتي به معناي انتقال و كسب دانش است، اما رسالت امروز آموزش، تربيت انسانهايي است كه داراي مهارتهاي چندگانه براي ِاعمال موفقيت‏آميز نقش خود در جامعه­اي در حال تغيير و دگرگوني است. رويكردهاي جديد آموزشي و تربيتي، به رشد قواي شناخت و مفاهيمي مانند فرادانش، تفكر انتقادي و خلاقيت، توجه ويژه­اي دارند. از اين رو، نظريه­هاي جديد آموزشي و تربيتي، راهبردهاي جديدي پيش روي سياستگذاران و برنامه­ريزان آموزشي، قرار داده است.

نبايد فراموش شود، مبناي اصلي اين حوزه، نظريۀ كتابداري است. اين نظريه را مي­توان به بياني ساده چنين توصيف نمود كه براي برقراري ارتباط بين مراجعان به كتابخانه (يا استفاده­كنندگان از اطلاعات) و منابع كتابخانه (يا اطلاعات مدون و مضبوط)، آموزش و تربيت رسمي گروهي با عنوان كتابدار يا متخصص اطلاعات ضروري دانسته شد. اين نظريه بعدها رشد بيشتري يافت و اطلاعات و ارتباطات با رويكردهاي مختلفي مطالعه و بررسي شد كه مهم‏ترين رويكردهاي آن نظريه­هاي رياضي و معناشناختي به اطلاعات است. كارآمدي اين ديدگاه­ها به آن چيزي بستگي دارد كه در عمل و در جامعه روي داده و مي­دهد. چنانچه اين مهم در جامعه و در عمل اتفاق نيفتد، بايد منتظر ماند تا پارادايم جديد جايگزين اين ديدگاه و نظريۀ ناكارآمد شود.

مفهوم سنتي كتابخانه نبايد محور و هستۀ درسهاي اين حوزه باشد. پارادايم «كتابخانه» ـ بخصوص در حالت سنتي ـ اگر منسوخ نباشد، كارآمد هم نيست. مفهوم كتابخانه نبايد محور و هستۀ درسهاي اين حوزه باشد، بلكه پارادايم غالب روز يعني «دانش مدون و مضبوط» بايد محور و هستۀ اصلي باشد. امروز حتي كتابخانه نه يك مكان، كه يك مفهوم است. عنوان «كتابداري» با وجود پايداري زيادي كه تاكنون از خود نشان داده، در آيندۀ دور يا نزديك از ميان خواهد رفت، زيرا با ديگر عناصر فرهنگي، اجتماعي و فناورانه در جامعۀ اطلاعاتي ناهماهنگ و به اين خاطر ناسودمند و ناپسند است. بنابراين، حركت در چارچوب مفهوم كتابداري، راهبردي شكست خورده است. چارۀ كار آن است كه موضوعات و درسهاي ارزشمند با هر عنوان يا گرايش ديگر (البته با تأمل و نه از چاله به چاه افتادن) زير يك يا چند گرايش اصلي، گرد آيد. اين چتر در گذشته، به صورت سنتي و اكنون در درسهاي فعلي اين حوزه «علم كتابخانه» بوده و هست. براي همين، عمده درسهاي سنتي كتابداري، بر محور كتابخانه و فعاليتهاي آن (آشنايي با كتابخانه و كتابداري، مجموعه­سازي شامل سفارش و انتخاب، حفاظت و نگهداري، ساختمان و تجهيزات كتابخانه، خدمات عمومي در كتابخانه، سلسله درسهاي سازماندهي مواد كتابخانه و مرجع­شناسي، مديريت يا ادارۀ كتابخانه) مي­چرخد. كتابخانه مركز اين فعاليتهاست و تعدادي درسهاي عمومي هم ـ با تأمل يا بدون تأمل كافي ـ به اين مجموعه اضافه شده است. پارادايم كتابخانه مانند ديوار كتابخانه در مالكيت داشتن بر كل اطلاعات، فرو ريخته و امروز تا حدودي مغلوب يك پارادايم ديگر شده است و آن «دانش مدون و مضبوط» فارغ از چارچوب تنگ كتابخانه­هاست. به تعبيري، چنانچه دانش مدوّن و مضبوط را محور و هستۀ اين رشته در عصر حاضر و آيندۀ نزديك فرض كنيم، حدس زدن درسهاي قابل طرح، چندان سخت نيست. رسالت اصلي ما، پشتيباني از دسترسي به دانش مضبوط و مدوّن است. اين كه دانش مضبوط و مدوّن از توليد تا استفاده چه فرايندي را طي مي­كند، به موضوعي با عنوان «مديريت دانش مضبوط و مدون» نيازمند است. آنچه صاحب‌نظران بايد انجام دهند، مطالعۀ دقيق عناصر اساسي اين فرايند و برنامه­ريزي دقيق درسي براي آن است.

**نيازهاي اطلاعاتي يك شهروند دانا در جامعۀ اطلاعاتي و معرفتي**

بر اساس قانون 20/80 تروزول، 80% داد و ستد­هاي كتابها و منابع اطلاعاتي كتابخانه بر روي 20% از منابع موجود در آن صورت مي­گيرد. به عبارتي، 20% منابع كتابخانه، نيازهاي 80% مراجعان را برآورده مي‏كند؛ يعني اگر يك كتابخانه 100 عنوان كتاب داشته باشد و 100 نفر مراجع، هشتاد نفر از مراجعان معمولاً از بيست عنوان آن استفاده مي‏كنند. با تعميم اين قانون مي‏توان پرسيد، 20% مهارتي كه دربرگيرندۀ 80% مهارتهاي جامعۀ اطلاعاتي است، كدامند؟ بر اساس اين قاعده، چنانچه افراد 20% مهارتهاي جامعۀ اطلاعاتي را ياد بگيرند، 80% نيازهاي اطلاعاتي و مهارتي آنها و جامعه مرتفع و موفقيت افراد و جامعه تا 80% تضمين مي‏شود. از اين رو، درسهاي پايه بايد بر اساس نيازهاي يك شهروند دانا در جامعۀ اطلاعاتي و معرفتي و اطلاعات و دانشهاي ضروري در متن زندگي، ارائه شوند. سؤالهاي زيادي قابل طرح است كه پاسخ به تصميم­گيريهاي آتي در اين زمينه ياري مي‌رساند. براي نمونه، در 15 تا 20 سال آينده يا همان‏طور كه در سند چشم­انداز بيست سالۀ كشور آمده، در سال 1404 چه نوع اطلاعات و دانشهايي به صورت پايه و براي يك شهروند دانا، كه مبناي تمام برنامه­هاي ديگر در جامعۀ اطلاعاتي و معرفتي است، ضروري است؟ دانش زبان انگليسي، دانش استفاده از فناوري اطلاعات يا سواد اطلاعاتي؟ كليدهاي اصلي ورود به جامعۀ اطلاعاتي و معرفتي آينده كدامند؟ بايد بر روي اين موضوعات و مسائل تأكيد و از پراكنده‏كاري يا پرداختن به موضوعات بيش از حد عمومي پرهيز شود.با تجزيه و تحليل اين سؤالها، تعدادي از موضوعات و درسهاي پايۀ مورد نياز در آموزش كتابداري و علم اطلاعات، نمايان خواهد شد:

ـ آموزش تفكر

ـ زبان انگليسي

ـ فناوري اطلاعات

ـ سواد اطلاعاتي و معرفتي: روش‏هاي دسترسي به اطلاعات

ـ روش‏شناسي و يادگيري اصول پژوهش و نگارش علمي

ـ فلسفۀ علم: تاكيد بر مباحث نظري و پايه

ـ آينده پژوهي و آينده‏نگري.

**تقويت قوۀ تفكر و آموزش تفكر انتقادي و خلاق يا آموزش تفكر و كارآفريني:**به جاي تأكيد بر حافظه (كه ارزش آن محفوظ است) و محفوظات بايد بر تعقل، تفكر و انديشه تكيه شود، زيرا گستردگي و تنوع موضوعات در دنياي امروز و آينده به حدي است كه امكان يادگيري و آموزش تمام آنها يا به خاطر سپردن آنها غيرممكن است، از اين رو، فراگير بايد قدرت تفكر، تعقل و خلاقيت را براي رسيدن به راه­حلهاي متفاوت در خود تقويت كند. حتي راه­هاي دسترسي به دانش و معرفت را نبايد محدود به تجربه و تعقل كرد، بلكه بايد توجه به شهود و اشراق را هم در دستور كار و آموزش قرار داد. براي مثال، آموزش قدرت تقوا و خويشتنداري، تزكيه نفس و خودشناسي، يكي از راهكارها در اين زمينه است. (من يتق الله يجعل له مخرجا؛ اگر تقوا پيشه كنيد، راه بر شما گشوده خواهد شد.) از اين رو، بايد يك نوع گشايش معرفت شناختي صورت بگيرد.

**زبان انگليسي:**آموزش زبان انگليسي بايد استمرار داشته باشد. براي مثال، بايد در تمام ترمهاي تحصيلي يك درس زبان انگليسي ارائه شود، زيرا حركت در مرز علم و دانش، بخصوص در مقاطع تحصيلات تكميلي، بدون آگاهي از دانش زبان انگليسي ميسر نمي‏شود. «ماهاتير محمد» در اوايل نخست وزيري نسبتاً طولاني مدتش، در حضور جمعي از مسئولان آموزش و پرورش، انجمنهاي اوليا و مربيان و تصميم‏گيران و برنامه‏ريزان حوزۀ آموزش، بيان داشت كه توقع ما از خانواده‌ها اين است كه زبان و ادبيات مالايايي را كه بسيار غني و سراسر عشق و شور است، به كودكان ما بياموزند و نه تنها بياموزند، بلكه زندگي كردن با آن را نشان بدهند؛ تا شهرونداني داشته باشيم كه اشعار شعرا، داستانهاي نويسندگان، متون ادبي و افسانه‏هاي مالايايي را بخوانند و با آن زندگي كنند. اما توقع ما از نظام آموزش رسمي اين است كه دانش‌آموزان امروز و پژوهشگران و معلمان و سازندگان فرداي كشور ما را با زبان و علم روز آشنا كنند. ما مي‏خواهيم شهرونداني داشته باشيم كه با زبان مالايايي عاشقانه زندگي كنند و با زبان انگليسي زندگي عالمانه داشته باشند (وبلاگ كتابداران آينده، 1387).

**فناوري اطلاعات** **و سواد اطلاعاتي و دانشي:** سواد در حالت سنتي با خواندن، نوشتن و محاسبه كردن تعريف مي‏شد. درقرنبيستويكم،تحولات سريعفناورياطلاعاتوارتباطاتدرچند دهةاخير،جهانرابايكبي‏سوادي ـ بهتعبير جديد ـ و نيازفراگيربهبازآموزيويادگيري مستمرمواجهساختهاست. بي‏سوادي در عصر ما به معناي ناتواني در استفاده از ابزارهاي نوين اطلاعاتي و ارتباطاتي در كسب، سازماندهي و توليد دانش است.

**روش‏شناسي پژوهش و يادگيري اصول پژوهش و نگارش علمي**: الفباي زبان علم و كليد ورود به جامعۀ اطلاعاتي و معرفتي، يادگيري روش پژوهش و نگارش مطابق با استانداردهاي علمي است. نحوۀ پرداختن به آموزش برخي چيزها، بسيار مهم­تر از آن چيزي است كه يادگرفته مي­شود. چارۀ كار آن است كه راه پيدا كردن و دسترسي به دانش مورد نياز را آموزش داد. به عبارتي، بيشتر بايد روشها و روش‌شناسي آموزش داده شود.

**فلسفۀ علم:** آموزش يك مهارت، فن يا علم بدون آموزش فلسفۀ آن، نوعي تحميق به شمار مي­آيد. از اين رو، به جاي انتقال صرف اطلاعات و دانش بايد فرادانش را نيز منتقل كرد. فلسفۀ هر دانش ابعاد آن دانش را روشن و به تصميم­گيري در مورد دانش مربوط كمك مي­كند. تنها دانستن جزئيات يك دانش كافي نيست، بلكه دانستن كاربردها، چگونگي استفاده، جاي استفاده، شرايط استفاده و اين نكته كه چرا از آن استفاده مي­شود، در فرادانش (معرفت­شناسي= فلسفۀ علم) مورد توجه قرار مي­گيرد. بايد به جاي ماهي دادن به فراگيران، به آنها ماهيگيري ياد داد. آموزش يك نوع دانش ثابت و خاص در شرايطي كه با مسائل، موضوعات و محيطي سراسر متغير سروكار دارند، كفايت نمي­كند.

اگر قرار است اين حوزه به عنوان يك حوزۀ علمي و دانشگاهي باقي بماند، بايد از يك اساس و بنياد نظري مستحكم برخوردار باشد. توجه به مفهوم فراعلم يا فرادانش و مباني نظري، باعث ايجاد انگيزه و جذب دانشجويان به اين حوزه خواهد شد. در غير اين صورت، اكثر دانشجويان احساس مي­كنند برنامه­هاي درسي فعلي نياز چنداني به تواناييهاي عقلاني و تفكر و انديشه ندارد و اين حوزه از نظر علمي نسبت به ديگر موضوعات و رشته­هاي دانشگاهي، در سطح پاييني قرار دارد.

جالب اينجاست، چنانچه سرگذشت دانشمندان و نظريه­پردازان بزرگ را مطالعه كنيد، متوجه مي­شويد اين افراد در فلسفۀ علم يا توجه به مفاهيم، سرآمد بوده­اند. در اين راستا، تأكيد بر مباحث نظري و پايه در كتابداري و علم اطلاعات نيز ضروري به نظر مي‏رسد. دولت فرانسه از سال 2000 مقرر كرده درس «فلسفۀ علم» در تمام رشته­هاي علوم طبيعي و پايه تدريس شود (طاهري، 1383). به نظر نگارنده، اين مفاهيم بايد در كل حوزه‏هاي دانش، آموزش داده شود. براي نمونه، در كتابداري و علم اطلاعات هيچ درسي براي فهم مباني معرفتي، چارچوب و مقوله‌هاي اين حوزه كه ارتباط ضعيفي هم با يكديگر دارند، وجود ندارد، و دانشجوي كارشناسي در سال چهارم تحصيل، هنوز گيج است. البته، در اين قضيه موارد ديگري مانند خود استادان هم بي‏تقصير نيستند، اما به هر حال وجود درسي مانند «فلسفۀ كتابداري و علم اطلاعات» براي ربط دادن چارچوب اين حوزه يا بررسي پيوند و ارتباط ميان مقوله‌‌­هاي ظاهراً متنوع اين حوزه، الزامي به نظر مي‏رسد.

**آينده ‌پژوهي و آينده­ نگري:** «آينده‌ پژوهي و آينده­ نگري» مثل بقيۀ درسها، عضو ثابت بسياري از رشته­هاي علوم ا­نساني شده است. در اين راستا، مي‏توان پرسشهايي مطرح كرد. براي مثال، تحولات آينده در حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات كدامند؟ تحولات بازار كار در آينده چه خواهد بود؟ گرايشهاي پژوهشي و موضوعهاي ارزشمند در اين حوزه كدامند؟ بر اساس مطالعات نگارندهدربارۀ آيندۀ كتابداري و علم اطلاعات، تحولاتي كه در آيندۀ اين حوزه روي خواهد داد، عمدتاً در چهار محور قابل بررسي است. اين چهار محور بايد به گونه­اي عميق­تر، بررسي شوند: 1ـ فضاي كلي جامعۀ اطلاعاتي و معرفتي 2ـ تحول در مفهوم كتابخانه 3ـ حرفه و نقشهاي فعلي و آيندۀ كتابداران در محيط كار 4ـ گرايشها و زمينه­هاي علمي و پژوهشي (حيدري، 1387). دانشگاه لاف­برو پيش‌بيني كرده بود در سال 2010 سه موضوع مهم در علم اطلاعات شامل 1- بازيابي اطلاعات 2- مديريت دانش و 3- كتابخانه­هاي ديجيتال، خواهد بود (سامرز و ديگران، 1381). بر پيش‌بيني‌هايي از اين دست، تأمل و تعمق كنيم.

**درسهاي كم ارتباط يا بي ارتباط زياد و عام و غيرتخصصي بودن درسهاي كتابداري و علم اطلاعات و ضرورت بازنگري و جايگزيني آنها**

مرور سرفصل درسهاي دورۀ كارشناسي و حتي دوره‏هاي تحصيلات تكميلي كتابداري بخصوص در سرفصلهاي قبلي، هر متخصص و متفكر اين حوزه را دچار حسرت و ناراحتي مي­كند. اين تأسف ابعاد مختلفي دارد. براي مثال، هنگامي كه زير جدول «درسهاي پايه» دورۀ كارشناسي، با اين عنوانها روبرو مي­شويد: رياضيات عمومي، روانشناسي عمومي، روانشناسي اجتماعي، تاريخ تمدن، مباني جامعه‏شناسي و تاريخ ادبيات ايران. تازه بماند كه غير از اين موارد، بايد 20 واحد هم درسهاي عمومي گذرانده شود. در حالي كه «مرجع­شناسي اسلامي» و «مقدمات آرشيو» در جدول درسهاي اختياري خودنمايي مي­كنند. يا در جدول درسهاي تخصصي تمام درسها بر محور كتابخانه­ مي­چرخد و هيچ درسي از ديوار و چارچوب تنگ كتابخانه خارج نمي­شود، جز ماشين­نويسي فارسي و لاتين (دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي، 1384، ص 112). انسان از خود مي­پرسد، يك كارشناس كتابداري با اين محتواي آموزشي براي چه زماني آموزش مي­بيند؟ آيا فقط كار او محدود به ديوار كتابخانه­هاست كه تمام درسها در اين چارچوب هستند؟ تازه اين ظاهر و ساختار كار است و تكليف محتواي درسها و طرز ارائۀ آنها نيز روشن نيست. از طرفي، اگر واقعاً به كتابخانه اهميت داده مي‏شود، چرا اكنون و در اين مقطع زماني كه مسئلۀ اصلي بحث خودكارسازي و ديجيتالي نمودن منابع و كتابخانه‏هاست، هيچ درسي با عنوان خودكارسازي كتابخانه­ها يا كتابخانه­هاي ديجيتال ارائه نمي­شود؟

غيرتخصصي و عام بودن درسهاي به اصطلاح تخصصي كتابداري، يكي از مهم‏ترين مشكلاتي است كه موقعيت و اعتبار آن را دچار تزلزل مي‏كند، به طوري كه هر فرد عادي با اندكي تلاش مي‏تواند كار يك كتابدار را حتي گاهي بهتر از او انجام بدهد. به نظر مي‏رسد فهرست درسهاي دورۀ كارشناسي كتابداري شوربرانگيز نيست. از هر خرمن، خوشه‌اي انتخاب شده و ارتباط آن هم با موضوع اصلي اين حوزه روشن نشده است. در حالي كه انسجام و ارتباط منطقي داشتن و هدفمند بودن، يكي از پايه‏هاي ايجاد يك نظريۀ كارآمد آموزشي در اين حوزه است.دست كم مي‏شد آن گونه كه در جدول 1 آمده است، درسهاي كم ارتباط ­يا بي­ارتباط را كه در جدول درسهاي عمومي يا پايه قرار دارند، به گونه­اي واقعي و با توجه به نيازهاي اين حوزه، كمي مرتبط كرد؛ ولي متأسفانه اين كار هم صورت نگرفته است. براي مثال، به جاي مواد و خدمات كتابخانه­اي براي كودكان و بزرگسالان، نيازها و رفتارهاي اطلاعاتي آنان، يا مديريت اطلاعات كودكان و بزرگسالان، و به جاي فيزيك و شيمي عمومي، روشهاي دسترسي به اطلاعات در اين حوزه­ها، نيازها و رفتارهاي اطلاعاتي آنان، منابع و خدمات اطلاعاتي يا به طور كلي مديريت اطلاعات فيزيك يا شيمي يا هر حوزۀ ديگر، تدريس شود.

تأكيد بر تاريخ، فلسفه و جامعه‏شناسي علم، دانش و اطلاعات در اين جدول، بدين سبب است كه همان‏طور كه«فلوريدي»[[7]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftn7" \o ") (2002) از فلسفۀ كاربردي اطلاعات صحبت مي‏كند يا «يورلند»[[8]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftn8" \o ") (1381، ص 429) حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات را معرفت‏شناسي كاربردي مي‏داند، به نظر نگارنده كتابداري و علم اطلاعات، مطالعۀ علم در قالب محملها و فرايندهاي اطلاعاتي است.

**جدول 1. درسهاي فعلي و درسهاي پيشنهادي براي جايگزيني آنها**

|  |  |
| --- | --- |
| **درسهاي فعلي** | **درسهاي پيشنهادي** |
| جغرافياي شهري | كتابداري تطبيقي يا علم اطلاعات تطبيقي |
| اقتصاد عمومي | اقتصاد اطلاعات |
| روانشناسي عمومي و اجتماعي و رشد | روانشناسي اطلاعات |
| حقوق عمومي | حق مؤلف و حقوق مالكيت فكري (حقوق اطلاعات) |
| آمار | آمار در علم اطلاعات |
| اخلاق عمومي يا اسلامي | اخلاق حرفه­اي |
| تاريخ عمومي فلسفه يا فلسفه | فلسفۀ علم (اطلاعات) |
| مباني تاريخ اجتماعي ايران | تاريخ علم (اطلاعات) |
| مديريت | مديريت اطلاعات و دانش يا مديريت كتابخانه­ها و مراكز اطلاعاتي |
| جامعه­شناسي | جامعه­شناسي علم و دانش (اطلاعات) |
| مواد و خدمات كتابخانه براي كودكان و نوجوانان | منابع و خدمات اطلاعاتي براي كودكان و نوجوانان يا نيازها و رفتارهاي اطلاعاتي كودكان و نوجوانان يا مديريت اطلاعات مربوط به كودكان و نوجوانان |
| مواد و خدمات كتابخانه براي بزرگسالان | منابع و خدمات اطلاعاتي براي بزرگسالان يا نيازها و رفتارهاي اطلاعاتي بزرگسالان يا مديريت اطلاعات مربوط به بزرگسالان |
| شيمي | روشهاي دسترسي به اطلاعات در حوزۀ علم شيمي، منابع و خدمات اطلاعاتي شيمي يا مديريت اطلاعات شيمي |
| فيزيك | روشهاي دسترسي به اطلاعات فيزيك، منابع و خدمات اطلاعاتي فيزيك يا مديريت اطلاعات فيزيك |

**استفاده نكردن از واژگان مناسب در عنوان درسها و به طور كلي نام رشته**

آشفتگي واژه‌شناختي و نداشتن اعتماد به نفس در كاربرد اصطلاحات پايه و عنوان رشته، يكي از مشكلات بنيادين در كتابداري و علم اطلاعات است. چرا قدري اعتماد به نفس در كتابداري وجود ندارد؟ براي مثال، به جاي روش‏شناسي پژوهش از عبارت گزارش‌نويسي، به جاي مديريت كتابخانه از ادارۀ كتابخانه، به جاي سازماندهي اطلاعات يا دانش مدوّن و مضبوط از سازماندهي مواد، به جاي منابع و خدمات اطلاعاتي از منابع و خدمات مرجع، به جاي علم اطلاعات مدوّن و مضبوط يا مديريت اطلاعات و دانش از كلمۀ كتابداري استفاده مي‏شود. نگارنده قبلاً در مورد آشفتگي واژه­شناختي در حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات، مطالبي را ارائه كرده است. مفاهيم و واژگان را نبايد دست كم گرفت، زيرا رسيدن به هرگونه انديشه و نظريۀ بعدي، پيامد استفاده از واژگان مناسب است. در واقع، اولين گام براي پرداختن به ابعاد معرفتي و دانشي و بنيادهاي فلسفي و نظري در حوزۀ ما، توجه به مفاهيم پايه است (حيدري، 1387).

عنوان رشته ممكن است در انتخاب آن تأثير بگذارد. گزينش يك نام مناسب تبليغي، براي جذب افراد توانمندتر به اين حوزه است. تغيير در عنوان و نام رشته در قالب يك عنوان و چند گرايش عمده، بايد مورد تأمل و برنامه‏ريزي قرار گيرد. انتخاب عنوان براساس اصول اساسي، حتي به گسترش حوزه در قالب رشته‏هاي فرعي و در حد دانشكده هم كمك مي‏كند (حيدري، 1388ب).

**نبود ارتباط ارگانيك سطوح مختلف تحصيلي از كارداني تا دكتري**

مقاطع تحصيلي اين رشتۀ آموزشي ارتباط مستدل و ارگانيكي با يكديگر ندارند. در پس دسته­بنديهاي ناپختۀ موجود، كه در قالب دوره‏ها و سطوح مختلف ارائه شده‏اند، ديدگاه يا تفكر خاصي مشاهده نمي­شود. ارتباط طولي و عرضي مقوله­هاي مطرح شده، روشن نيست. درسهايي كه اكنون در دورۀ كارشناسي ارشد و دكتري ارائه مي­شوند، بايد به صورت پايه، در دورۀ كارشناسي ارائه گردند و در دوره‏هاي بالاتر ابعاد تخصصي آنها مدنظر قرار گيرد، نه اينكه براي مثال دانشجو تازه در دوره­هاي كارشناسي ارشد و دكتري با مفاهيم اوليۀ فناوري اطلاعات و نظامهاي اطلاعاتي، رفتارهاي اطلاعاتي، مديريت دانش، كتابخانه­هاي ديجيتال، بازيابي اطلاعات، برنامه­ريزي در كتابخانه­ها و غير آن آشنا شود، در حالي كه در گذشته فرصتي براي تأمل دربارۀ آنها پيدا نكرده باشد. مقاطع بالاتر بايد تخصصي­تر باشد. براي مثال، در يكي از حوزه­هاي مطرح شده در سطوح قبلي، متخصص تربيت كند. كساني كه تجربه دارند، مي‏دانند كه براي تعمق واقعي بر ابعاد يك موضوع يا مسئله، بايد مدت زماني با يك موضوع زندگي كرد، نه اين كه انتظار داشته باشيم دانشجو به محض آشنايي با موضوع، تا عمق مسئله را دريابد و به نتيجۀ نهايي برسد.

يكي از موضوعات و مقوله­هاي پر اهميت در اين حوزه كه بايد آموزش آن از دورۀ كارشناسي آغاز شود و به دوره‏هاي بعدي موكول نشود، علم‏سنجي است. موضوع علم­سنجي و سياست­گذاريهاي كلان علمي و پژوهشي، از موضوعات برجستۀ دنياي امروز است و در رأس برنامه‏هاي كشور ما هم قرار دارد. اين موضوع حتي مي­تواند به عنوان يكي از گرايشهاي عمدۀ اين حوزه يا به صورت بين رشته­اي با همكاري با حوزۀ مطالعات علم (تاريخ، اقتصاد و يا جامعه­شناسي علم) مطرح شود (كه البته اخيراً در اين مورد اقدام شده است). اين موضوع يكي از مقوله­هاي مهم در مديريت دانش به شمار مي­آيد و بايد از همان دورۀ كارشناسي تدريس شود. عجيب اينكه در درسهاي دوره­هاي كارشناسي، كارشناسي ارشد و دكتري يك درس هم با عنوان علم­سنجي ارائه نشده است. اين در حالي است كه ادعا مي­شود علم‏سنجي يكي از مقوله­هاي اصلي اين حوزه است. اقتصاد اطلاعات و دانش مدوّن و مضبوط، يكي ديگر از موضوعاتي است كه در بازار كار و در دنياي واقعي حرفه­مندان اين حوزه كارساز خواهد بود و بايد از همان دوران كارشناسي تدريس شود. مهم‏ترين شُك آموزش كتابداري اقتصادي بوده است كه ويليامسن آن را ارائه كرده و به عنوان مهم‏ترين سندي است كه در تاريخ آموزش كتابداري تهيه شده است. امروزه روشن شده كه قبل از هرگونه مجموعه­سازي و ارائه خدمات، بايد «رفتارهاي اطلاعاتي» گروه­هاي خاص مخاطب مورد مطالعه قرار گيرد. چرا آموزش و پژوهش دربارۀ رفتارهاي اطلاعاتي از همان دورۀ كارشناسي شروع نشود؟

**ضعف در محتواي درسها و اطلاعاتي كه در كلاسها مطرح مي­شود**

تعدادي از ضعفهايي كه در ارائۀ درسها وجود دارد، عبارتند از:

ـ توجه نكردن به هدف و محتواي درسها

ـ توجه نكردن به مفاهيم پايه و شناخت منابع و كتابشناسي هر درس

ـ نبود توجه جامع به سه بُعد علم، عمل و فناوري در ارائۀ هريك از درسها

ـ افراط و تفريط در ارائۀ درسها

ـ نبود يك خط مشي، روش يا رويكرد روشن و شفاف.

اهميت توجه به درك هدف و رسالت هر برنامۀ آموزشي، در قسمت فلسفۀ علم توضيح داده شد. شناخت مفاهيم و اصطلاحات هر موضوع، قدم نخست و لازمۀ انديشيدن دربارۀ آن است. هريك از درسها دو بُعد شناختي و كاربردي دارند، كه لازم و ملزوم يكديگرند. از طرفي، اين كاربردها با وجود فناوري، قابل تسهيل هستند. بايد به صورت شفاف مشخص شود كه آموزش هريك از درسها و موضوعات با چه رويكردي و در چه سطحي ارائه مي شود. از افراط و تفريط پرهيز شود؛ يعني از دانشجو در حد توان و مقطع تحصيلي انتظار داشته باشند نه كمتر و نه بيشتر، و خلق نگرش جديد در اولويت باشد. تدوين طرحي تفصيلي براي درسها و معرفي منابع و بحثها، ضروري است.

**مسائل مربوط به استادان و دانشجويان**

به خاطر مقررات و قوانين ارتقا و محدوديتهاي نيروي انساني، مالي، و به طور كلي شرايط آموزشي، استادان مجبورند به مسائلي بپردازند كه وظيفۀ اصلي آنها نيست. پراكنده‏كاري و ارائۀ درسهاي مختلف و متنوع توسط استادان، مانع و آفت آموزش با كيفيت واقعي و تخصص‏گرايي است و نبايد ادامه پيدا كند. هر استاد نبايد يك يا دو موضوع بيشتر درس بدهد.

كمبود استادان صاحب فكر و واجد شرايط براي تدريس برنامه‏هاي جديد و تربيت دانشجويان كارآمد و جذب دانشجويان فاقد انگيزه توسط دانشكده‏هاي كتابداري، مشكل ديگري است كه موجب كمبود استادان زبده در آينده خواهد شد.

براي نگارنده كه هنوز از فضاي دانشجويي زياد فاصله نگرفته است، گاهي اين احساس وجود دارد كه دانشجويان نيز چنان كه بايد به توصيّه‏هاي استادان خود در سختكوشي، مطالعه و برنامه‏ريزي براي يادگيري عميق توجه نمي‏كنند. شايد هم آنها بايد منافع معنوي و مادي تلاشهاي خود را تجربه كنند تا اميدوارنه‏تر به فعاليت خود ادامه دهند.

**نبود يك برنامۀ منسجم و يك نظريۀ پويا و كارآمد**

به منظور بهبود شرايط آموزشي در حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات و ايجاد پويايي بيشتر در اين رشته، بايد عناصر آموزشي اين رشتۀ دانشگاهي اعم از گروه‌هاي آموزشي، برنامه­هاي درسي، مدرسان و اعضاي هيئت علمي، تجهيزات و زمينه‏هاي سخت افزاري و نرم‌افزاري و حتي شرايط ورود و خروج دانشجويان را به دقت بازنگري و به طور جدي ارزيابي كرد. براي تجديدنظر و بازنگري، هيچ­گاه دير نيست (حري، 1385، ص 218). در اين مورد، يك سري اصول و راهكار وجود دارد و چارچوب آموزش كتابداري با كمي تأمل و تدبّر، قابل شناسايي و تدوين است. از اين رو، تدوين چارچوبي براي آموزش كتابداري و علم اطلاعات بر اساس فلسفه و اصول آموزش كتابداري و علم اطلاعات در ايران، ضروري به نظر مي‏رسد. در اين راستا، توجه به راهكارهاي ارائه شده در اين مقاله، بخصوص موضوع اصلي اين حوزه يعني فرايند اطلاعات و دانش و مطالعه و مديريت آن، راهگشاي برنامه‏ريزي دقيق آموزشي است. در آخر، پيشنهاد مي‏شود درس جديدي با عنوان «آموزش در كتابداري و علم اطلاعات» در برنامه­هاي درسي اين حوزه گنجانده شود. همچنين، معاونتهاي آموزشي دانشگاه­ها و دانشكده­ها بايد به نقش و وظيفۀ خود در پيگيري مداوم فرايند برنامه­ريزي و روزآمدسازي برنامه‏هاي آموزشي عمل كنند.

**منابع**

ـ آشور، محمدصالح جميل و عبدالستار چودري (1383). آموزش حرفۀ كتابداري و اطلاع­رساني در كشورهاي عربي خليج فارس. ترجمه احمد شعباني و محمود تفقدي جامي. تهران: دبيزش.

ـ ابرامي، هوشنگ (1354). «نقطۀ آغاز: گره كور آموزش دانش‏شناسي»، نامه انجمن كتابداران ايران، دوره هشتم، 4 (زمستان)، ص 554-543.

ـ اخوي راد، بتول (1385). بررسي تأثير استقلال علمي دانشگاه‏ها در برنامه‏ريزي درسي. چالش‏هاي علوم انساني در ايران: مجموعه مقالات همايش بررسي مشكلات علوم‏انساني، خرداد ماه 1385، شيراز: دانشگاه شيراز، مركز نشر، ص 35-51.

ـ تهوري، زهرا (1385). لزوم بازنگري در برنامه‏هاي آموزش كتابداري و اطلاع‏رساني با توجه به نيازهاي مهارتي جديد كتابداران و اطلاع‏رسانان. فصلنامه كتاب، 65 (بهار)، ص 143- 162.

ـ حري، عباس (1385). اطلاع‎رساني: نگرش­ها و پژوهش­ها. (چاپ دوم). تهران: كتابدار.

ـ ــــــــــــــ (١٣٨٧) .«آيين‏نامهوضوابطآموزشكتابداريواطلاع‏رسانيبايداصلاحشود» مصاحبهباخبرگزاريكتاب ايران (ايبنا)،٢٠شهريور١٣٨٧، (آخرين تاريخ دسترسي، 7/7/1389)، قابل دسترس در:

http://www.ibna /vdcgwq9x.ak9n34prra.html

ـ حياتي، زهير(1378). مسائل آموزشي‌كتابداري و اطلاع‏رساني در دانشگاه‌ها. كتابداري و اطلاع رساني. دورۀ دوم، 1(بهار)، ص 3-26.

ـ ـــــــــــــــ (1383). آموزش كتابداري و اطلاع رساني: گذشته، حال و آينده**.** فصلنامه كتاب، دوره پانزدهم، شماره اول (بهار)، ص 25-41.

ـ‌ حيدري، غلامرضا (1387). آشفتگي واژه­شناختي در حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات. سخنراني ارائه شده در: دانشگاه شهيد چمران اهواز، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي، گروه كتابداري و اطلاع­رساني (18/9/1387).

ـ ــــــــــــــ (1388الف). آموزش كتابداري و علم اطلاعات در ايران: موانع و راهكارها. سخنراني ارائه شده در دانشگاه شهيد چمران اهواز، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي، گروه كتابداري و اطلاع­رساني (28/2/ 1388).

ـ ــــــــــــــ (1388ب). تغيير نام و محتواي آموزشي حوزۀ كتابداري و علم اطلاعات بر اساس مفهوم هستۀ اين حوزه و پارادايم غالب عصر حاضر: تدوين چارچوبي براي تفكر.سخنراني ارائه شده در دانشگاه شهيد چمران اهواز، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي، گروه كتابداري و اطلاع­رساني (19/2/ 1388).

ـ دانشكده علوم‏تربيتي و روانشناسي: از بدو تأسيس تا پايان سال 1383 هجري شمسي (1384). تهيه و تدوين عاطفه ساعدي، زير نظر مهناز مهرابي‏زاده هنرمند. اهواز: دانشگاه شهيد چمران اهواز.

ـ دياني، محمدحسين (1379). برنامه آموزش دوره كارشناسي كتابداري و اطلاع‏رساني، پيشنهادهايي براي تحول. فصلنامه كتابداري و اطلاع‏رساني. سال سوم، شماره 1 (بهار)، ص 20-1.

ـ‌ ــــــــــــــــــــــ (1384). «نگاهي انتقادي بر توسعۀ كمي و كيفي حوزۀ كتابداري و اطلاع‎رساني در ايران »: در: مجموعه مقالات همايش­هاي انجمن كتابداري و اطلاع­رساني ايران. جلد دوم، 1382، گردآورنده محسن حاجي‌زين‌العابديني. تهران: سازمان اسناد و كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران. ص 271-287.

ـ‌ ـــــــــــــــــــــ (‌۱۳۸۶). آيندۀ آموزش كتابداري و اطلاع‏رساني در سطح دكتري. سرسخن، كتابداري و اطلاع رساني، جلد دهم، ‌شماره دوم (‌تابستان)، ص ۳-۶.

ـ ذاكري‏فرد، فاطمه (1381). نظرسنجي از دانشجويان رشته كتابداري و اطلاع‏رساني پيرامون جايگاه درس زبان انگليسي در اين رشته. كتابداري و اطلاع‏رساني، دورۀ پنجم، 4 (تابستان)، ص 9-25.

ـ‌ زينلي كرماني، افسانه و حميده آيت‏اللهي (1387). تاريخچۀ آموزش كتابداري و اطلاع‏رساني. ارتباط علمي، دورۀ دهم، شماره دوم (بهمن).

ـ سامرز، رون و ديگران (1381). علم اطلاع­رساني در سال2010 ديدگاه دانشگاه لاف­برو. ترجمه عليرضا بهمن آبادي، در: مباني تاريخچه و فلسفه علم اطلاع­رساني. به كوشش عليرضا بهمن­آبادي. تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران، ص 165- 192.

ـ طاهري، عباس (1383). درآمد. در توماس كوهن، ساختار انقلاب­هاي علمي (عباس طاهري، مترجم)، (ص 13- 71). تهران: قصه.

ـ فتاحي، رحمت‏الله (1379). الگويي براي بازنگري و تجديد ساختار آموزش‏هاي كتابداري و اطلاع‏رساني. كتابداري و اطلاع‏رساني. سال سوم، شماره 1 (بهار)، ص 42-21.

ـ فتاحي، رحمت­الله و ديگران (1384). برنامۀ جديد كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع­رساني: گزارش يك طرح پژوهشي. كتابداري و اطلاع­رساني، پياپي30، تابستان، شماره دوم، جلد هشتم، ص 9-26.

ـ كوكبي، مرتضي (1376). نگاهي به دروس سازماندهي مواد. فصلنامه كتاب، دورۀ هشتم، 3 (پاييز)، ص 57-69.

گنجيان، محمدحسين (1353). مشكلات آموزش كتابداري در ايران. نامه انجمن كتابداران ايران، دوره هفتم، شماره 4 (زمستان)، ص 526-514.

ـ مختاري، حيدر (1384). برنامۀ درسي رشتۀ كتابداري و اطلاع­رساني پزشكي در مقطع كارشناسي ارشد. فصلنامۀ كتاب (62)، دورۀ شانزدهم، شماره دوم، تابستان، ص 25-32.

ـ مهراد، جعفر(1387). «آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني در ايران راكد مانده است» مصاحبهباخبرگزاريكتاب ايران (ايبنا).29 فروردين 1387، (آخرين تاريخ دسترسي، 7/7/1389)،قابل دسترس در:

http://www.ibna.ir/vdcgzw9q.ak97n4prra.html

ـ نوروزي، عليرضا(١٣٨٧). «برنامهآموزشكتابداريايراناصلاحشود» مصاحبهباخبرگزاريكتاب ايران (ايبنا).١٩خرداد١٣٨٧، (آخرين تاريخ دسترسي، 7/7/1389)، قابل دسترس در:<http://www.ibna.ir/vdcb8gb5.rhb8wpiuur.htm>

ـ هوركس، نورمن (1381). آموزش كتابداري و اطلاع‏رساني. ترجمه حسن كياني، دائرة المعارف كتابداري و اطلاع رساني، ج 1 تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران، ص 56.

ـ مرتضائي، ليلا (1380). تحصيلات تكميلي علوم كتابداري و اطلاع‏رساني در انگلستان، آمريكا، هند و ايران: بررسي تطبيقي: تهران: مركز اطلاعات و مدارك علمي ايران.

ـ يورلند، بيرگر (1381ج). نظريه و فرانظريه در علم اطلاع­رساني: تفسيري جديد (مهدي داودي، مترجم). در عليرضا بهمن­آبادي (ويراستار، گردآورنده و مترجم)، مباني تاريخچه و فلسفه علم اطلاع­رساني (ص 425-448). تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران (نشر اثر اصلي، 1998).

ـ وبلاگ كتابداران آينده (1389). (آخرين تاريخ دسترسي، 7/7/1389)، قابل دسترس در: http://mjb48.blogspot.com

- Floridi, l. (2002). On defining library and information science as applied philosophy of information. Social Epistemology, 16 (January), p 37-49.

- Wilson, T.D. (2001). Mapping the curriculum in information studies. New Libraray World, Vol. 12, No. 1170-1171: 436-442.

[[1]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftnref1" \o "). Williamson.

[[2]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftnref2" \o "). Horrocks.

[[3]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftnref3" \o "). Lancadter.

[[4]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftnref4" \o "). Daniel.

[[5]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftnref5" \o "). Wilson.

[[6]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftnref6" \o "). Fractal theory.

[[7]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftnref7" \o "). Feloridi.

[[8]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1158&pid=10" \l "_ftnref8" \o "). Hjorland.